

– صاحب امتیاز ومدیرمسئول: اکبر نعمت الهی

– سردبیر: سعید پویش (افشاری)

– دبیر هنری و میراث فرهنگی: ونوشه شکری

– مدیر هنری: الهام شیخ میری

– تلفن تحریریه:۸۶۱۱۲۶۱۷۸–۰۲۱

– فکس تحریریه:۸۶۱۱۲۶۱۷۸–۰۲۱

– آدرس دفتر مرکزی: تهران – خیابان زرتشت غربی – پلاک ۵۳ واحد ۳

محمود جوادی‌پور که بود؟

محمود جوادی‌پور از نسلی بود که در مسیر شکل‌گیری هنر مدرن ایران، هم اثر ساخت و هم راه. از نخستین تجربه‌های چاپ رنگی گرفته تا تأسیس نخستین گالری هنری ایران و شکل‌گیری آموزش گرافیک، ردپای او را می‌توان در بخش‌های مهمی از تاریخ هنر معاصر ایران پیدا کرد.

در تاریخ هنر معاصر ایران، نام بعضی هنرمندان فقط با آثارشان گره نخورده است؛ محمود جوادی‌پور یکی از همین هنرمندان بود که توانست علاوه بر خلق آثار هنری، نقش پرنرنگی در شکل‌گیری هنر مدرن ایران، ایفا کند.

محمود جوادی‌پور ۱۳ شهریور ۱۲۹۹ در تهران به دنیا آمد. مسیر او برای رسیدن به هنر، برخلاف آنچه شاید از یک نقاش انتظار داشته باشیم، از یک مدرسه هنری آغاز نشد. با وجود علاقه به نقاشی از دوران کودکی، او در هنرستان صنعتی ایران و آلمان تحصیل کرد و گواهینامه ششم این هنرستان را در رشته آهنگری و ماشین‌سازی دریافت کرد. در همان سال‌ها، آشنایی با ادبیات معاصر فارسی نیز در مسیر آموزش او قرار گرفت؛ نیما یوشیج و بزرگ علوی از معلمان او در هنرستان بودند.

چند سال بعد، مسیر زندگی او تغییر کرد. جوادی‌پور در سال ۱۳۲۰ در آزمون دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پذیرفته شد و در رشته نقاشی تحصیل کرد. او در مصاحبه‌ای با داستان رفتن به دانشکده هنرهای زیبا را اینگونه روایت کرده است: «تمام همکلاسی‌های من به استخدام راه‌آهن درآمدند. چیزی نمانده بود

که من نیز به آنان بپیوندم. خوشبختانه به موقع خبردار شدم که دانشکده‌ای به نام دانشکده هنرهای زیبا باز شده است. شنیدن این خبر با توجه به علاقه خاصی که به هنر نقاشی داشتم. مسیر زندگی من را دگرگون کرد.»

سال ۱۳۲۲، جوادی‌پور به صورت نیمه‌وقت در چاپخانه بانک ملی ایران به عنوان «نقاش

خودش روایت کرده است: «از سال دوم ناچار بودم برای تأمین کسری هزینه دانشکده کار کنم. در چاپخانه بانک ملی ایران به عنوان نقاش و گرافист استخدام شدم. از همان وقت

برای داستان‌های اطلاعات هفتگی و بعضی از مجلات دیگر نقاشی می‌کردم. در آغاز باکارهای چاپی آشنایی چندانی داشتم، ولی علاقه فراوانی به این رشته سبب شد که خیلی زود با تمام فوت و فن‌های هنری کارهای چاپخانه آشنا شوم و به دنبال آن موفق شدم تا تحولی چشمگیر در کارهای گرافیکی چاپخانه ایجاد کنم.»

او در سال ۱۳۲۲ در چاپخانه بانک ملی با امکانات چاپ آشنا شد و در اواخر سال ۱۳۲۳ توانست چاپ رنگی را در این چاپخانه به مرحله اجرا برساند؛ تجربه‌ای که خود آن را از نخستین تلاش‌های چاپ رنگی در ایران می‌دانست.

علاقه جوادی‌پور به تصویرگری کتاب کودک نیز به سال‌های نخست فعالیت حرفه‌ای او بازمی‌گردد. نخستین کتابی که برای کودکان

«تو واقعاً بدیع زمانه هستی!» این جمله در تحسین شاعری نوجوان که هم به زبان عربی و هم به زبان فارسی شعر می‌سرود باعث شد نامش از عبدالجلیل به «بدیع‌الزمان» تغییر پیدا کند و این نام تا همیشه بر تارک فرهنگ ایران درخشید.

حسن انوری، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و استاد دانشگاه تهران به مناسبت زادروز بدیع‌الزمان فروزانفر (چهاردهم شهریور) در یادداشتی با عنوان «آفتاب بی‌غروب دانش ادبی؛ شمه‌ای از سیره علمی و اخلاقی بدیع‌الزمان فروزانفر» نوشته است: «بدیع‌الزمان فروزانفر، بی‌هیچ تردیدی، از درخشان‌ترین اختران آسمان تاریخ ادبیات ایران و از استادان بی‌نظیر و تکرارناشدنی این مملکت است. او دانشمندی بی‌گونه بود که سهم عظیمی در احیا و قوام دانشگاهی ادبیات فارسی و معارف اسلامی داشت. آن‌گونه که در تذکرها و شرح‌احوالش نگاشته‌اند، این وجود شریف در بیست و هشتم ربیع‌الثانی سال ۱۳۲۰ هجری قمری، در خاک پاک بشرویه از توابع طیس، در خانواده‌ای به‌غایت فرهنگ‌دوست و فضل‌پور پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش، آقا شیخ علی، فرزند آخوند ملا محمدحسن قاضی بود و نسب این خانواده گران‌قدر به ملا احمد تونی، از علمای نامدار معاصر شاه‌عباس صفوی (متوفی ۱۰۷۱ هجری و برادر ملا عبدالله)، می‌رسید. بدیع‌الزمان در سایه‌سار چنین فرزانیگی و اصالتی نشو و نما یافت و نخستین موازین علوم و مقدمات فضل را در همان بشرویه، نزد آخوندی

به نام ملا محمدحسن فرا گرفت و از همان دوران صباوت، شمله‌های فروزان نبوغ ذاتی خود را عیان ساخت.

استاد در سال ۱۳۳۸ هجری قمری از بشرویه راهی مشهد مقدس شد تا جان تشنه خویش را از سرچشمه‌های فضل خراسان سیراب کند. او در مشهد از محضر استوانه‌های علم و ادب همچون ادیب نیشابوری، میرزا حسن سبزواری، حاج مرتضی آشتیانی و حاج شیخ مهدی خالصی کسب فیض نمود و در محضر تکتک این استادان بزرگ چنان خوش درخشید که به حق، ماه آن محافل علمی شد.

نبوغ شگفت‌انگیز او در همان ایام نوجوانی حیرت معاصران را برمی‌انگیخت. مرحوم محمود فرخ، از ادیبان و دانشمندان نام‌آور خراسان، خاطره‌ای شیرین از دوران طلبگی استاد نقل کرده و نوشته است که فروزانفر در سن چهارده‌سالگی برای ادامه تحصیل به مشهد آمد؛ در حالی که در همان سن، طلبه‌ای بسیار فاضل محسوب می‌شد و طبع شعری روان داشت. روزی پدر وی از بشرویه به مشهد آمد و به منزل پدر محمود فرخ رفت تا درباره آینده تحصیلی این نوجوان با او مشورت کند. پدر فرخ برای سنجش عیار دانش او، چند سؤالا دشارد به زبان فارسی و عربی مطرح کرد و آن پسر با چنان پختگی و دقتی پاسخ داد که مایه گفتگئی همگان شد. پدرش در آن میان گفت: «جلیل‌آقا شعر هم می‌سازد»؛ چرا که نام نخستین استاد در دوران کودکی «عبدالجلیل» بود و او را جلیل‌آقا صدا

–سایت: WWW.servatnewspaper.COM

– جیمیل:

servatnewspaper@gmail.com

servat.newspaper | @gmail.com

– ایتا: servat_weekly@

– هماهنگی شهرستان ها: ۰۹۱۶۳۸۰۵۹۰۰

– تلگرام شهرستان ها: ۰۹۱۶۳۸۰۵۹۰۰



روزنامه اقتصادی، اجتماعی صبح ایران

چاپخانه: کارگر



سیامک زنده‌دل در کتاب «تحولات تصویری هنر مدرن ایران» نیز به این موضوع اشاره کرده و نوشته است: «محیط شبیه‌سازی زندگی در دهه ۱۳۲۰ به خوبی در چند تابلو اثر محمود جوادی‌پور که در سال ۱۳۲۷ نقاشی شده‌اند، بازتاب یافته است. جوادی‌پور در پرتله‌هایی از ایران جدی گرفته شود و بارها این موضوع را با مسئولان دانشکده هنرهای زیبا نیز مطرح کرد. جوادی‌پور متعلق به نسلی بود که باید همزمان هم هنرمند می‌بود و هم بخشی از امکانات لازم برای فعالیت هنری را ایجاد می‌کرد. او در دوره‌ای وارد دنیای هنر شد که نقاشی نوگرا هنوز در حال پیدا کردن راه خود را در ایران بود و گرافیک به معنای امروزی آن هنوز رشته‌ای تثبیت‌شده نبود.

او در سال ۱۳۳۰ با استفاده از بورس تحصیلی راهی آلمان شد و در آکادمی هنرهای زیبای مونیخ به تحصیل پرداخت. این سفر برای او صرفاً ادامه آموزش نقاشی نبود؛ آشنایی نزدیک‌تر با گرافیک و شیوه‌ها و تکنیک‌های چاپ نیز بخشی مهم از تجربه‌ای بود که در مونیخ به دست آورد. او البته بعد از دوران تحصیل و در سال ۱۳۳۸ به ایران بازگشت.

تو واقعاً بدیعِ زمانه هستی!

می‌زدند. پدر فرخ با اشتیاق گفت: «پس بخوان تا بشنویم». جلیل‌آقا با متانتی خاص پرسید: «از قصاید فارسی‌ام بخوانم یا قصاید عربی؟» حاضران شگفت‌زده شدند که چگونه نوجوانی چهارده‌ساله می‌تواند به هر دو زبان قصیده بسراید. او در آن مجلس ابیاتی فصیح از قصاید فارسی و عربی خود را قرائت کرد و حاضران را در بهت و حیرت فروبرد. در همان ایام، استاد قصیده‌ای غرا در مدح قوام‌السلطنه، والی وقت خراسان، سرود و همراه با پدر به دیدار او رفت. قوام‌السلطنه پس از استماع آن شعر استوار، غرق در تعجب شد و رو به او کرد و گفت: «تو واقعاً بدیع زمانه هستی!» و شگفت آنکه از همان روز به بعد، نام او از عبدالجلیل به «بدیع‌الزمان» تغییر یافت و این نام تا همیشه بر تارک فرهنگ ایران درخشید.

استاد پس از فراغت از تحصیل در مشهد، در حدود سال‌های ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۱ خورشیدی راهی تهران شد. او در این شهر بزرگ نیز از تکاپو باز نایستاد و در محضر حکیم یگانه، میرزا طاهر تنکابنی، کتاب‌های سنگین حکمی نظیر شرح اشارات، شفا و کلیات قانون ابن‌سینا را فرا گرفت و نزد آقا حسین نجم‌آبادی به تحصیل دقیق فقه و اصول پرداخت. بدین ترتیب، ستاره اقبال بدیع‌الزمان با اختران تابناک سپهر دانش هم‌روزگار خویش قرین شد و او از همان سنین جوانی، هم‌نشین و هم‌سخن بزرگ‌ترین رجال علمی زمانه خود گشت. بدیع‌الزمان فروزانفر در احاطه بر علوم و معارف اسلامی نادره

دوران بود و به‌ویژه در عرصه مولوی‌پژوهی و شناخت جهان فکری مولانا جلال‌الدین، اعجوبه‌ای بی‌هتا به شمار می‌رفت. بنده که حسن انوری هستم، این توفیق و سعادت بزرگ را داشتم که نزدیک به پنج سال تمام در کلاس درس مثنوی ایشان در دانشگاه تهران زانو بزنم و از محضر مبارک و انفاس قدسی‌اش بهره‌ها ببرم. تسلط و احاطه او بر ادبیات عرب نیز شگفت‌انگیز بود؛ یکی از استادان برجسته که در یکی از سفرهای رسمی استاد به کشورهای عربی همراه ایشان بود، برای من نقل می‌کرد که فروزانفر در مباحثات علمی با علمای میز و طراز اول جهان عرب چنان پرفروغ و مسلط ظاهر می‌شد که همگی آنان را حیرت‌زده و شیفته دانش خود می‌ساخت.

برگزاری کلاس‌های استاد آیین و شکوه خاصی داشت که هرگز از لوح خاطرم سرترده نخواهد شد. کلاس‌های ایشان معمولاً در روزهای صبح سه‌شنبه و پنجشنبه دایر می‌شد و درس مثنوی روزهای سه‌شنبه در دانشکده ادبیات برقرار بود. نحوه ورود ایشان به کلاس خود حکایتی شنیدنی داشت: استاد همواره از در پشتی دانشکده وارد می‌شدند. در آنجا نخست رئیس دانشکده ادبیات شخصاً به استقبال ایشان می‌آمد و استاد را با تکریم تمام به اتاق خود دعوت می‌کرد تا چای بنوشند و خستگی راه را از تن بزدایند. پس از آن، شاگردان و محرب و نزدیک استاد به استقبالی‌اش می‌رفتند و با احترامی وافر ایشان را تا آستانه کلاس همراهی می‌کردند.

خبر

کشف یک حمام مجلل



حمام خصوصی مجلل مورد استفاده امپراتور روم و «ساکنان عالی‌رتبه» در یک کاخ امپراتوری واقع در صربستان کشف‌شد.

باستان‌شناسان در حال حفاری در شرق صربستان، بقایای یک حمام رومی مجلل و با ساختاری منحصربه‌فرد را کشف کرده‌اند که زمانی به امپراتوری روم تعلق داشت است.

«لایوساینس» نوشت، مجموعه‌ای از اتاق‌ها شامل کف‌های گرم‌شونده، سه استخر حمام و یک سونا در طبقه پایین یک برج درون یک کاخ امپراتوری کشف شد. باستان‌شناسان تا پیش از این، هرگز چنین طراحی‌ای را در امپراتوری روم شناسایی نکرده بودند. این مجموعه حمام، که در لاتین به آن «balneum») گفته می‌شود، در محوطه باستانی «اورل-شارکامن» (Vrelo- arkamen) پیداشد که یک مجموعه مسکونی مستحکم و عظیم است که در اوایل قرن چهارم میلادی ساخته شد و محل سکونت «ماکسیمینوس دایا»، امپراتور روم از سال ۳۱۰ تا ۳۱۳ میلادی بود.

باستان‌شناسان به‌طور متناوب برای دهه‌ها در این محوطه باستانی حفاری کرده‌اند و این کشف جدید توسط یک تیم تحقیقاتی از مؤسسه باستان‌شناسی تحقیقاتی مستقل در صربستان، انجام شده است. «گالریوس و آلریوس ماکسیمینوس»، که در منطقه‌ای که اکنون صربستان است، متولد شد و نام اصلی‌اش «دایا» (دازا) بود، یکی از چهار «حاکم چهارگانه» روم بود. روم تا سال ۳۰۵ میلادی، حاکمان امپراتوری روم کنستانتینوس و گالریوس به عنوان امپراتوران ارشد و سوروس و ماکسیمینوس دازا به عنوان حاکمان کم‌سابقه بودند، اما نظام چهارگانه شروع به فروپاشی کرده بود. ماکسیمینوس در سال ۳۰۱ میلادی مدعی عنوان امپراتور ارشد شد اما تنها سه‌سال دوام آورد. او در سال ۳۱۲ پس از شکست در یک جنگ داخلی برابر رقیب خود، لیسینیوس، درگذشت. بر اساس این بیانیه، حفاری‌های جدید در اقامتگاه امپراتوری «ماکسیمینوس دایا» نشان داده است که کاخ حتی پیچیده‌تر و مجلل‌تر از آنچه قبلاً تصور می‌شد بوده است. کاخ «ماکسیمینوس» دارای یک برج عظیم در گوشه جنوب غربی بود. اما باستان‌شناسان از یافتن یک مجموعه حمام مدور در پایین‌ترین سطح برج شگفت‌زده شدند؛ زیرا بیشتر این حمام‌های باستانی به صورت خطی و با اتاق‌هایی در یک ردیف ساخته می‌شدند. این نقطه از حمام دارای سقفی گنبدی با شش پنجره بود که نشان‌دهنده سطح بالایی از دانش مهندسی است. این مجموعه حمام به دو بخش تقسیم می‌شد؛ یکی برای تجهیزات مورد نیاز برای اداره حمام‌ها و دیگری برای حمام کردن و استراحت. درون اتاق تجهیزات، باستان‌شناسان کوره‌ای را کشف کردند که کف‌های حمام را گرم می‌کرد. آنها همچنین پایه یک دیگ مسی را کشف کردند که برای گرم کردن آب حمام استفاده می‌شد. با این حال، خود دیگ مسی اکنون مفقود است. درون مجموعه اتاق‌هایی که امپراتور از آنها استفاده می‌کرد، باستان‌شناسان سه استخر با وان حمام، به همراه یک (sudatorium) کشف کردند که کلمه لاتین برای حمام بخار یا سونا است. محققان اعلام کردند که این مجموعه صرفاً فضایی برای بهداشت شخصی نبود، بلکه یک حمام خصوصی با طراحی دقیق بود که برای ساکنان عالی‌رتبه کاخ در نظر گرفته شده بود و در آن، معماری، زیرساخت فنی و آسایش، یک کل عملکردی یکپارچه را تشکیل می‌دادند. محققان به کاوش در این مجموعه حمام ادامه خواهند داد تا درک بهتری از نحوه ساختار اتاق‌ها و نحوه دسترسی امپراتور «ماکسیمینوس» و خانواده‌اش به آن پیدا کنند.

آگهی مزایده

شرکت آب وفاضلاب استان لرستان در نظر دارد مزایده عمومی ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بر گزار نماید.لذا با توجه

به اینکه کلیه مراحل برگزاری مزایده اعم از دریافت اسناد مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه

تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir صورت خواهد پذیرفت، لازم است کلیه مزایده گران واجد صلاحیت

در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند. تاریخ انتشار مزایده در سامانه ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ می باشد.

ردیف	مشخصات پارتی ها	مبلغ پایه کارشناسی (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	کد پارتی در سامانه
۱	پارتی خاک مزاد حاصل از اجرای پروژه فاضلاب شهر کوهدشت	۲۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۸,۸۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۱۰۵۰۰۱۳۴۰۰۰۰۰۰۰۶

زمان انتشار در سایت: ساعت ۱۲ظهر مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵

مهلت دریافت اسناد مزایده: تا ساعت ۱۹مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

تاریخ بازدید: از ساعت ۸:۰۰ صبح لغایت ۱۴:۰۰ عصر ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ لغایت ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

آخرین مهلت ارسال پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

زمان بازگشایی: ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

زمان اعلام به برنده: ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۵

اطلاعات تماس دستگاه مزایده گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مزایده و ارائه پاکات (الف):

آدرس: خرم آباد – میدان ۲۲ بهمن – بلوار ولیعصر (عج) – خیابان شهید شفیع پور (۶۰ متری شمالی) – کد پستی: ۶۸۱۷۸۵۵۳۷۱

تلفن ۵-۳۲۲۵۸۰۴ – ۳۲۲۲۴۴۹۲ – ۳۲۲۲۲۴۴۵ – ۰۶۶-

شرکت آب وفاضلاب استان لرستان

۰۶. ۵۰ میلیون دلار فروخته شد.

اما سال ۲۰۲۵ بود که به عنوان سالی پرپار برای بازار این هنرمند شناخته شد؛ چراکه ۱۰ تابلو از موندریان به حراج رفت و بیش از ۷۱ میلیون دلار فروش داشت. این مبلغ عمداً مدیون فروش بهاری کریستیز از تابلو «ترکیببندی با صفحهٔ بزرگ قرمز، خاکستری مایل به آبی، زرد، سیاه و آبی» (۱۹۲۲) بود که ۴۷.۶ میلیون دلار فروش رفت و آن را به هشتمین اثر گرانتیمت سال در حراجی تبدیل کرد.

تاکنون در سال ۲۰۲۶، هفت اثر از موندریان به چکش حراج رفته است که از میان آن‌ها تابلو «ترکیببندی با صفحهٔ بزرگ قرمز، آبی، خاکستری، سیاه و زرد» (۱۹۲۱) در رویداد رکوردشکن کریستیز به قیمت ۳۹.۷ میلیون دلار فروخته شد. مجموع فروش امسال تا اینجا به نزدیک ۴۵ میلیون دلار می‌رسد. حتی اگر «ترکیببندی شماره سه» فقط به پایین‌ترین برآورد قیمت خود برسد، بازار موندریان یکی از قوی‌ترین دوره‌های دوسالهٔ خود را در بیش از دو دههٔ اخیر تجربه خواهد کرد.

«ادیسه» از نو ترجمه می‌شود

پس از انتقاد از این اقتباس سینمایی، این اثر اثر انو ترجمه خواهد کرد. «گاردین» نوشت: این خبر پس از آن منتشر می‌شود که «ویلیسون» تابستان امسال با ارزیابی تند خود از فیلم پرفروش کریستوفر نولان بر اساس ادیسه، چنچال بپا کرد؛ چراکه فیلم‌نامه اثر «نولان» را «فاجعه‌بار» توصیف کرد. ترجمه «ویلسون» در سال ۲۰۱۷ به پرفروش‌ترین کتاب

کرد.

این تابلو از سال ۱۹۲۴، زمانی که موندریان آن را به یک مورخ هنر آلمانی واگذار کرد، ۱۱ بار دست به دست شده و در اختیار مجموعه‌داران سرشناسی قرار گرفته‌است.

مسئولان حراجی کریستیز این اثر را «مهم‌ترین تابلو از موندریان که از سال ۲۰۰۹ تاکنون در اروپا به حراج گذاشته شده» معرفی می‌کنند. «کریستیز» در سال ۲۰۰۹ میلادی دو تابلو «ترکیببندی شماره یک» (۱۹۲۰) به قیمت ۷ میلیون یورو (معادل ۸.۰۱۶ میلیون دلار امروز) و «ترکیببندی با آبی، قرمز، زرد و سیاه» (۱۹۲۲) به قیمت ۲۱.۵ میلیون یورو (۲۵.۱۳ میلیون دلار) را فروخت. رکورد فعلی حراجی «موندریان» ۵۱ میلیون دلار است که به تابلوی «ترکیببندی شماره ۲» (۱۹۳۰) تعلق دارد که در سال ۲۰۲۲ در سائیتز فروخته شد. بازار او دارای جهش‌های ناگهانی است و هر زمان که یک اثر نادر به حراج می‌رسد، قیمت‌ها اوج می‌گیرند؛ مانند زمانی که «ترکیببندی شماره ۳ یا قرمز، آبی، زرد و سیاه» (۱۹۲۹) در سال ۲۰۱۵ در کریستیز به قیمت

یک تابلو مهم از میان آثار «پیت موندریان» با برآورد قیمت ده‌ها میلیون دلار، در حراجی به فروش گذاشته می‌شود.

بازار نقاشی‌های پیت موندریان – نقاش هلندی – این روزها رونقی کم‌سابقه را تجربه می‌کند و ممکن است به قله‌های تازه‌ای برسد؛ چرا که تابلوی «ترکیببندی شماره ۳» (۱۹۲۲) برای نخستین‌بار در حراجی کریستیز لندن به فروش گذاشته می‌شود. انتظار می‌رود قیمت آن بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون پوند (معادل ۲۷.۲ تا ۴۰.۸ میلیون دلار) باشد.

این اثر به دههٔ چهارم از دوران کاری این هنرمند انتزاعی هلندی تعلق دارد. در آن زمان، پس از آنکه جنگ جهانی اول او را در وطنش گیر انداخته بود، او به صحنه هنر آوانگارد پاریس بازگشت و در همان دوران بود که جنبش «De Stijl» را بنیان‌گذاری کرد.

تابلو «ترکیببندی شماره سه» نشانه‌های متعددی از این دورهٔ شکل‌گیری را در خود دارد که از جمله آن به خطوطی یا قاطعیت کمتر (در تضاد با خطوط پرنرنگ سیاه آثار بعدی) می‌توان اشاره

«امیلی ویلسون»، نخستین زنی که «ادیسه» اثر «هومر» را به انگلیسی ترجمه کرد، کمتر از یک دهه پس از انتشار نسخهٔ تحسین‌شدهٔ خود، قرار است این منظومهٔ حماسی یونان باستان را از صفر بازترجمه‌کند. «امیلی ویلسون» که ترجمه انگلیسی سال ۲۰۱۷ او از منظومهٔ حماسی «هومر»، الهام‌بخش فیلم پرفروش «کریستوفر نولان» شد،